## اولویت اول کاستن بار ترافیکی است

سیدخلیل منتبی
معاون عمرانی، حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری مشهد

کار اجرایی در پیاده‌راه‌ها از نظر فنی شاید بد یا بقیه پروژه‌ها تفاوت بارزی نداشته باشد. اما حال وهوای کار در زمانی محدود بسیار متفاوت است. پادگان فضایی نظامی بود که باید برای کاربری جدیدی آماده می‌شد تا مردم بتوانند راحت‌تر در آن تردد کنند. همه معابر و خیابان‌های منتهی به آن به نوعی محدود به ظرفیت‌های همین جا بودند و ظرفیت کاربری جدید با ترافیک موجود شهر را نداشتند. ضمن اینکه درست است پادگان فضای سبز بزرگی داشت، اما این فضا به تعمیرات زیادی نیاز دارد که بشود به عنوان فضای سبز شهری از آن بهره برد. برای رقم خوردن این اتفاق به همه مناطق درخواست دادیم و خوشبختانه همه‌شان پای کار آمدند.

در سه هفته گذشته اقدامات بسیاری انجام شده که شاید خیلی از آن‌ها به چشم نیاید. اما واقعیت این است که خرده کارهای زیادی داشتیم که همان جا سیر زمان می‌بودند. تواقص زیادی تا کنون رفع شده است، اما خیلی از قسمت‌ها همچنان نقص‌هایی دارند. همه تلاش ما در مرحله اول این است که ژیار ترافیکی اطراف پادگان کاسته شود و شرق و غرب شهر با این پروژه به هم وصل شود. برای همین مسیرها و فضاهای عمومی پادگان را به صورت موقت برای ورود و استفاده مردم آماده می‌کنیم و در آینده نقص‌هایش را رفع خواهیم کرد تا به تفرجگاهی امن و دارای امکانات تبدیل شود.

## تلاش چشمگیر برای حفظ فضای سبز پادگان

جواد کریمی قدوسی
نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی

این پروژه یکی از اتفاقات بزرگ شهر به حساب می‌آید که یکی از پنج مسئله حل نشده شهر را پس از سال‌ها باز کرد. در بازدیدی که از پروژه پادگان داشتم سرعت کار را چه‌ادی دیدم. حتی در روز جمعه که روز تعطیل است هم بیش از هزار نفر در آن مشغول کار بودند. چندی پیش شایعه‌ای مطرح شد که شهرداری مشهد درخت‌ها را قطع کرده است اما این گونه نیست و همه اقدامات پروژه در راستای حفظ درختان و آسیب ندیدن آن‌ها بود. نکته چشمگیر این کار به عقیده من همین تلاش مدیریت شهری برای حفظ فضای سبز پادگان است. جا‌هایی حتی با کج چیدن دیوارها برای پروژه سعی کرده بودند درختان را حفظ کنند. به این ترتیب بناست پارک بسیار بزرگی -نقریبا یک ونیم برابر بوستان بزرگ ملت- در مرکز شهر، در اختیار مردم قرار گیرد که به طور قطع در بالا رفتن روحیه و نشاط اجتماعی مردم و زائران مؤثر و مفید است.

## دل‌گرم به پایانی خوب

سیدمجید حسینی‌یزدی
معاون تولید سازمان عمران

حجم و نوع کار اینجا را در طول دوران خدمتم تجربه نکرده بودم، بی‌سابقه بود. ۲۲ روز است که از صبح زود تا ساعت ۱۹:۳۰ مشغولم. همه تلاش می‌کنند که در کمترین زمان ممکن مسیرها به روی مردم باز شود. برای همین به نتیجه رضایت‌بخش کار خیلی امیدوار هستم. در این چند هفته خانواده و فرزندانم از نبود من و وقت‌نداشتنم شاکی بودند، اما آن‌ها را به پایان خوب انتقال پادگان دل گرم کرده‌ام.

## کار شبانه‌روزی در اطراف پادگان

کامران توتونچی
رئیس اداره اجرایی سازمان عمران

فقط در ساعات روز اجازه کار داشتیم. اما این کار تابع ساعت کاری اداری نبود. ورود و خروج آن هیچ زمان مشخصی نداشت. ضمن اینکه تیروها به صورت ۲۴ ساعته بیرون از محدوده پادگان فعالیت می‌کردند. در سه شیفت کاری با همکاری پلیس راهور تلاش شد که مسیرهای اطراف پادگان هم سریع آماده شوند. هم‌بستگی، همدلی و اتحاد بخش‌ها و نهادهای مختلف در انجام این کار مثال زدنی است.

## برکات شبکه معابر پادگان

حسن موحدیان
رئیس شورای اسلامی شهر مشهد

مدیریت شهری مشهد در ایام تعطیل و غیرتعطیل، شبانه‌روز برای به ثمر نشستن پروژه سامان دهی اراضی پادگان لشکر ۷۷ ارتش تلاش کرد. از همه دست‌اندرکاران در این امر قدردانی می‌کنم. از زحمات شهردار مشهد که شبانه‌روزی‌های کار بود و از معاونان شهردار و سایر اعضای شورای اسلامی شهر مشهد که با حضور در پادگان پشتیبانی لازم را نشان دادند. حضور مستمر آن‌ها در محل کار ارتش بسیار ارزشمند بود و روحیه کارگران و کارکنان فعال در پروژه را تقویت کرد. خوشبختانه در کنار این پروژه، خیابان ارشاد الرضا(ع) هم سامان گرفت و از وضعیت خوبی برخوردار است که رضایت عمومی را به همراه خواهد داشت. در کل بازگشایی شبکه معابر پادگان برکات بسیاری برای زائران و مجاوران بارگاه منور رضوی در برخواهد داشت. در گام بعدی با حمایت شهروندان به دنبال بازگشایی خیابان بصیرت خواهیم بود.

## جهاد در مهلت کوتاه

علیرضا صفی‌پور
مدیرعامل سازمان عمران شهرداری مشهد

محدوده پروژه یک محدوده نظامی بود که پیش از این اصلا اجازه ورود و نقشه برداری وجود نداشت. لازم بود هماهنگی‌ها و مجوزهایی اخذ شود که همین مسئله سرعت اجرا را کاهش می‌داد. این حساسیت به حدی بود که شناسایی و چک کردن مدرک‌ها و توجیه نیروها گاهی از ۶ صبح تا ظهر طول می‌کشید و گاهی ناچار بودیم به نیروها همان پشت دریاد گان نهار بدهیم. از طرفی به جز در چند بخش محدود مجاز نبودیم که از ساعت ۸ به بعد بمانیم. با این تفاصیل ما عملا فقط از ۲۵ درصد شبانه‌روز امکان استفاده داشتیم. برای همین مجبور شدیم در همه سطوح مدیران و کارگران طوری فعالیت کنیم که جبران زمان از دست رفته باشد.

اگر اینجا یک زمین خام و خالی بود، کار کمتری لازم بود اما باید وضع موجود را با نیازهای آتی هماهنگ می‌کردیم که همین زمان بر بود. بیشتر تأسیسات و زیرساخت‌های پادگان قابل استفاده شهری نبود. پانزده روز ابتدایی با همکاری گروه مطالعات و مشاوران فقط برداشت‌ها را انجام دادیم و به محض تحلیل داده‌ها و تصویب طرح آن، نیروهای مناطق را وارد اجرا می‌کردیم. خوشبختانه همه مناطق پای کار آمدند. همه تلاشمان این بود که خدمت بیشتری انجام دهیم، چون مشهد امسال میهمانان زیادی خواهد داشت.

## ماشینی که ۲۰ ساعت روشن بود!

سامان نیوبان
رئیس اداره ماشین‌آلات سازمان عمران

سه هفته تمام از همه توان سازمان عمران و دیگر بخش‌های شهرداری استفاده کردیم تا ماشین‌آلات تخصصی لازم را تأمین کنیم و در اختیار نیروها بگذاریم. فشار کار زیاد بود، اما گستردگی کار و زمان اندکی که داشتیم، ایجاب می‌کرد که راننده‌ها نیز با همه توان پای کار باشند. بیشتر ماشین‌آلات به سامانه جی‌پی‌اس متصل هستند و این سامانه می‌گوید که برخی ماشین‌آلات روزانه بیست ساعت فعال بوده‌اند.

## انتقال یک اداره به محل پروژه

مهدی حسامی
مسئول امور اداری و رفاه سازمان عمران

من در جاهای گوناگونی خدمت کردم، اما کار هیچ کدام به فشردگی کار جابه‌جایی پادگان نبوده است. حجم کاری برای تهیه غذا و پذیرایی نیروهای فعال زیاد بود. به طور معمول روزانه برای حدود ۳۸۰ نفر تأمین صبحانه، ناهار و میان وعده داشتیم. به دلیل اهمیت کار پادگان همه اقدامات و نیروهای اداره پشتیبانی سازمان هم به پادگان منتقل شدند و همه هماهنگی‌ها و سرویس‌دهی‌های آن حوزه هم از همین جا انجام می‌شد.

#همدلی_به_نفع_مردم

# امروز راه مردم باز می‌شود

حسین بیات | جانمایی بخشی دوبست هکتاری از زمین‌های پادگان لشکر ۷۷ مشهد در هسته مرکزی شهر مشهد است؛ موقعیتی که قریب به دو دهه چالشی بزرگ برای تردد و حمل‌ونقل شهروندان و زائران مشهد الرضا(ع) بود اما حالا ضربه آخر با مشارکت ارتش، آستان قدس و شهرداری مشهد زده شده است تا بار و اهای پادگان بریزد و چندین مسیر تازه به شهر اضافه شود. هرچند نخستین نامه رسمی برای جابه جایی پادگان لشکر ۷۷ به ۲۱ دی ماه ۱۳۸۱ برمی‌گردد اما ورود هر بعظم انقلاب به این موضوع در مرداد سال ۱۳۸۸ را می‌توان به عنوان نخستین گام عملی برای این انتقال مهم قلمداد کرد که کمتر از یک هفته به تصویب قانون فروش پادگان‌ها در تاریخ اول شهریور ۱۳۸۸ در مجلس شورای اسلامی منتج شد. در خطوط زیر ضمن پرداختن به روند و گردش کار این جابه‌جایی، روایت‌هایی در باره از مردم و برخی مسئولان که در روند این تغییر بزرگ نقش‌آفرین بودند، همچنین برخی از جزئیات و ارقام این اتفاق بزرگ را آورده‌ایم تا خدا قوتی گفته باشیم به آن‌هایی که به عشق مردم طی سه هفته یک کار بزرگ نشدنی را شدنی کردند.

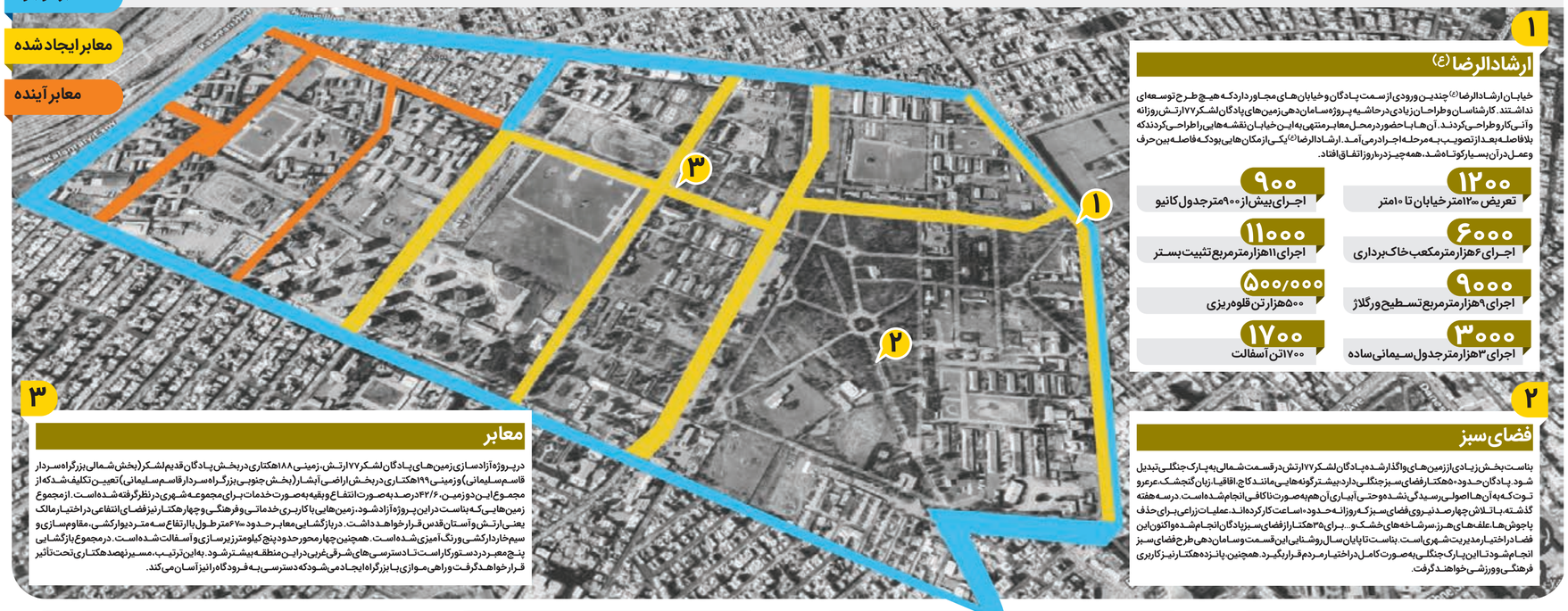


### ۱ ارشادالرضا(ع)

خیابان ارشادالرضا(ع) چندین ورودی از سمت پادگان و خیابان‌های مجاور دارد که هیچ طرح توسعه‌ای نداشتند. کارشناسان و طراحان زیادی در حاشیه پروژه سامان‌دهی زمین‌های پادگان لشکر ۷۷ ارتش روزانه وآنی کار و طراحی کردند. آن‌ها با حضور در محل معابر منتهی به این خیابان نقشه‌هایی را طراحی کردند که بلافاصله بعد از تصویب به مرحله اجرا درمی‌آمد. ارشادالرضا(ع) یکی از همان‌هایی بود که فاصله بین حرف و عمل در آن بسیار کوتاه شد، همه چیز در همان روز اتفاق افتاد.

**۱۲۰۰**
تعریض ۱۲۰ متر خیابان تا ۱۰ متر

**۹۰۰**
اجرای بیش از ۹۰۰ متر جدول کانیو

**۶۰۰۰**
اجرای ۶ هزار متر مکعب خاک‌برداری

**۱۱۰۰۰**
اجرای ۱۱ هزار متر مربع تثبیت بستر

**۹۰۰۰**
اجرای ۹ هزار متر مربع تسطیح و رگلاژ

**۵۰۰/۰۰۰**
۵۰۰ هزار تن قلوه‌ریزی

**۳۰۰۰**
اجرای ۳ هزار متر جدول سیمانی ساده

**۱۷۰۰**
۱۷۰۰ تن آسفالت

### ۲ فضای سبز

بناست بخش زیادی از زمین‌های واگذارشده پادگان لشکر ۷۷ ارتش در قسمت شمالی به پارک جنگلی تبدیل شود. پادگان حدود ۵۰ هکتار فضای سبز جنگلی دارد، بیشتر گونه‌هایی مانند کاج، اقاقیا، زبان گنجشک، عرعر و توت که به آن‌ها اصولی رسیدگی نشده و حتی آبیاری آن هم به صورت ناکافی انجام شده است. درسه هفته گذشته با تلاش چهارصد نیروی فضای سبز که روزانه حدود ۱۰ ساعت کار کرده‌اند، عملیات زراعی برای حذف پاجوش‌ها، علف‌های هرز، سرشاخه‌های خشک و... برای ۳۵ هکتار از فضای سبز پادگان انجام شده و اکنون این فضا در اختیار مدیریت شهری است. بناست تا پایان سال روشنایی این قسمت و سامان‌دهی طرح فضای سبز انجام شود. تا این پارک جنگلی به صورت کامل در اختیار مردم قرار بگیرد. همچنین، پانزده هکتار نیز کاربری فرهنگی و ورزشی خواهند گرفت.

### ۳ معابر

در پروژه آزادسازی زمین‌های پادگان لشکر ۷۷ ارتش، زمینی ۱۸۸ هکتاری در بخش پادگان قدیم لشکر (بخش شمالی بزرگراه سردار قاسم سلیمانی) و زمینی ۱۹۹ هکتاری در بخش اراضی آبشار (بخش جنوبی بزرگراه سردار قاسم سلیمانی) تعیین تکلیف شده از مجموع این دو زمین، ۴۲/۶ درصد به صورت انتفاع و بقیه به صورت خدمات برای مجموعه شهری در نظر گرفته شده است. از مجموع زمین‌هایی که بناست در این پروژه آزاد شود، زمین‌هایی با کاربری خدماتی و فرهنگی و چهار هکتار نیز فضای انتفاعی در اختیار مالک یعنی ارتش و آستان قدس قرار خواهد داشت. در بازگشایی معابر حدود ۶۷۰ متر طول با ارتفاع سه متر دیوار کشی، مقاوم‌سازی و سیم خاردار کشی و رنگ‌آمیزی شده است. همچنین چهار محور حدود پنج کیلومتر زیرسازی و آسفالت شده است. در مجموع بازگشایی پنج معبر در دستور کار است تا دسترسی‌های شرقی غربی در این منطقه بیشتر شود. به این ترتیب، مسیر نزدیک‌ترین کاربری‌ها قرار خواهد گرفت و راهی موازی با بزرگراه ایجاد می‌شود که دسترسی به فرودگاه را نیز آسان می‌کند.

عکس: محسن پخشنده | امروز

## تاریخچه

**۱۴۰۱ | ۲۳ خرداد**
رئیس سازمان عمران شهرداری مشهد با اشاره به آخرین اقدامات صورت گرفته در خصوص جابه‌جایی پادگان ۷۷ ارتش در مشهد مقدس گفت: در روز شنبه هفته آینده (۲۸ خرداد) علاوه بر بولوار عریض «ارشادالرضا(ع)»، که پیش از این یک خیابان کوچک در شهر مشهد بود، خیابان‌های شهید ذاهر جوادی فیاض بخش و همچنین مسیر دوم شهید نامجو به بهره‌برداری خواهد رسید

**۱۴۰۱ | ۱۹ اردیبهشت**
صورت‌جلسه توافق سه‌جانبه ارتش، شهرداری و آستان قدس در جلسه شورای عالی معماری برای برآورد حجم و مساحت اراضی پادگان و بالسر ۲ به میزان مجموعاً ۱۵۷/۲ هکتار (معادل ۴۲/۶ درصد) به صورت بلوکی و کاربری تجاری مسکونی و اقامتی به عنوان سهم ارتش و آستان قدس به ارتش و آستان قدس تخصیص می‌یابد و مابقی اراضی به عنوان سهم شهرداری در اختیار شهرداری مشهد قرار می‌گیرد.

**۱۴۰۰ | ۱۷ اسفند**
اصلاح نقشه‌های طرح‌های اراضی ارتش مورد توافق مدیریت شهری و ارتش و سازمان قضایی نیروهای مسلح در حضور رئیس قوه قضائیه در جلسه شورای اداری استان

**۱۴۰۰ | ۷ بهمن**
دستور رئیس قوه قضائیه پیرو درخواست شهردار مشهد، موضوع ارتش تا دو ماه آینده باید توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح به نتیجه برسد

**۱۴۰۰ | ۱۸ بهمن**
پیشنهاد دو تاکید شهردار مشهد مبنی بر فصل الخطاب بودن نظر کارشناسی سازمان قضایی نیروهای مسلح در حضور رئیس قوه قضائیه در جلسه شورای اداری استان گرفت

**۱۴۰۰ | ۱۹ آبان**
با توقف فرایند واگذاری تا توافق پس از این تاریخ حسب تدبیر و تاکید مدیریت شهری فرایندی مستند، قانونمند، منسجم و مستمر آغاز شد. کارگروه اجرایی ویژه انتقال پادگان با الویت بازگشایی معابر اصلی تشکیل شد

**۱۴۰۰ | ۲۹ خرداد**
ابلاغ طرح تفصیلی پادگان و آبشار ۲ به رزم حسینی، استاندار وقت

**۱۳۹۹ | ۵ شهریور**
صورت‌جلسه توافق ارتش با کلانی، شهردار مشهد
اهم توافقات: تحویل گیری پارک میانی و معبر امتداد فیاض بخش به ملاصدرا از پادگان لشکر ۷۷، حذف اراضی باشیب‌های بالا تراز ۱۵ درصد، تحویل فضای سبز از اراضی آبشار و تعیین مسئولیت توافق ارتش با آستان قدس رضوی

**۱۳۹۸ | ۹ اسفند**
گشایش بولوار نماز

**۱۳۹۷ | ۶ اسفند**
تصویب طرح تفصیلی اراضی آبشار ۲ و پادگان
پی‌نوشت: ملاحظاتی ماند، حفظ عرصه‌های دارای ارزش تاریخی در محدوده دو ساختمان پادگان، حفظ درختان کهن‌سال و واقع در مسابت لشکر ۷۷، حذف برج‌های پیشنهادی در اراضی جنوب (آبشار ۲)، حذف بارگذاری بر روی شیب‌های پایش از ۱۵ درصد و... در این مصوبه لحاظ نشده است.

**۱۳۹۶ | ۲۱ آبان**
نامه شهردار مشهد به فرمانده کل آجا با موضوع آمادگی شهرداری برای در نظر گرفتن همه کاربری‌های مورد نظر ارتش در نهمه جنوبی اراضی آبشار ۲ در ازای واگذاری اراضی پادگان لشکر ۷۷

**۱۳۹۵ | ۲۶ اسفند**
نامه شهردار مشهد به استاندار مبنی بر درخواست تشکیل کمیسیون ماده ۵ برای طرح پادگان
پی‌نوشت: پیرو رسال گردش کار دیف قبلی که به سمحضار رهبر معظم انقلاب رسیده، فرماندهی ارتش، نماینده‌ای برای رفع موانع به ریاست امیر حاج‌شاهی، معاون وقت هماهنگی ارتش به مشهد اعزام می‌کند و درخواست جلسه مزبور هم به همین دلیل بوده است.

**۱۳۹۵ | ۱۸ آبان**
تصویب طرح موضعی پادگان لشکر ۷۷

**۱۳۹۴ | ۱۷ خرداد**
مصوبه کمیسیون ماده ۵ با موضوع اصلاح مواردی از طرح تفصیلی آبشار ۲ بنا بر تقاضای ارتش مطرح و مصوب شد

**۱۳۹۳ | ۲۳ تیر**
مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری برای طرح جامع مشهد با موضوع مقرر می‌شود طرح‌های مربوط به پادگان لشکر ۷۷ و میدان تیر به کمیته فنی شماره یک شورای عالی برای بررسی و طی فرایندهای قانونی ارسال شود
پی‌نوشت: این مصوبه به رشدیان، استاندار وقت، ابلاغ شده است.

**۱۳۹۲ | ۱۰ اردیبهشت**
صورت‌جلسه بین نمایندگان هیئت اجرایی نوسازی پادگان با موضوع تحویل بخش‌هایی از اراضی آبشار و میدان تیر به موجب امریه صادره از هیئت اجرایی نوسازی پادگان‌های اجابه شهرداری به منظور آماده‌سازی

**۱۳۸۸ | ۱ شهریور**
تصویب قانون فروش و انتقال پادگان و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها

**۱۳۸۸ | ۲۷ آبان**
تصویب طرح تفصیلی اراضی آبشار ۲ در کمیسیون ماده ۵، چند روز قبل توافق بین ارتش و آستان قدس رضوی با بت حق تقدیمی تغییر کاربری اراضی ارتش صورت گرفته بود. سهم آستان قدس ۳۵ درصد از کل کاربری و سهم ارتش ۶۵ درصد

**۱۳۸۷ | ۲۵ شهریور**
صورت‌جلسه انتقال پادگان لشکر ۷۷ مبنی بر انجام کار ظرف مدت یک ماه با حضور واحدی، مدیرکل دفاتر فنی

**۱۳۸۸ | ۲۶ مرداد**
نامه ارتش و نیروهای مسلح برای کسب تکلیف از هزیر معظم انقلاب درباره پادگان لشکر ۷۷ به همراه پیشنهادهای شش‌گانه
پی‌نوشت: مطابق درخواست ارتش، نامه‌ای در ۱۲ ماده درباره نحوه یک به‌فرماندهی جوا رسال واگذاری طول یکشد، ۳ سریع کارها را انجام دهید.

**۱۳۸۵ | ۲۰ فروردین**
مصوبه هیئت دولت مبنی بر انتقال پادگان لشکر ۷۷ و تخصیص اعتبارات لازم برای جابه‌جایی پادگان، بازگشایی معابر و... (این نامه در تاریخ ۲ اردیبهشت همان سال ابلاغ می‌شود.)
پی‌نوشت: در این نامه از رقم «میلیارد ریال» برای این موضوع سخن به میان آورده شده است.

**۱۳۸۶ | ۲۶ اسفند**
نامه استاندار به ارتش برای معرفی نماینده گان برای تحویل گیری اراضی ۵ گزینه، (مکان جدید پادگان)

**۱۳۸۵ | ۲۱ مرداد**
نامه سرلشکر فیروزآبادی به فرمانده ستاد مشترک ارتش با موضوع شناسایی حداقل دو اولویت از دوازده محل پیشنهادی برای انتقال پادگان

**۱۳۸۱ | ۲۰ اسفند**
نامه امیر احمدرضا بوردستان، فرمانده وقت لشکر ۷۷، به امیر فرمانده‌ی نزاجا با موضوع جابه‌جایی پادگان لشکر ۷۷

## روایت آتش‌نشان

### اگر دیوار نمی‌بود...

حسین شاه‌آبادی چند سالی است که پشت فرمان یکی از خودروهای نیمه سنگین آتش‌نشانی می‌نشیند. او از روزی می‌گوید که از ایستگاه شماره ۴ آتش‌نشانی به عنوان راننده به مقصد دانشگاه فردوسی اعزام شده‌اند تا برای خاموش کردن آتشی در خیابان امیرکبیر و خیابان نبوت، «مجبور شدیم از بزرگراه کلانتری بروییم. آن هم در شلوغی دم غروب. رسیدنمان بیشتر از بیست دقیقه طول کشید، بعد از دشواری راندن کامیون هجده تنی در مسیرهای شلوغ می‌گوید و تأکید می‌کند: «خیلی مهم است که در حریق‌ها زود وارد عمل شویم. چون سرعت انتقال آتش تصورشدنی نیست.»

می‌پرسم، آن روز اگر دیوار پادگان ارتش نبود و از همان میدان امام خمینی[ره] مستقیم می‌رفتید، چند دقیقه‌ای می‌رسید؟ جواب می‌دهد: «کمتر از سه دقیقه. اگر دیواری نبود.»

می‌گویم، خبر داری که قرار است دیوار پادگان را بردارند و مسیرهایش برای مردم باز شود؟! با لب‌هایش پاچشم‌هایش، با همه صورتش می‌خندد و می‌گوید: «خدا را شکر! خدا را صد هزار مرتبه شکر.»

## روایت مدیر

### کاری که با کت‌وشلوار شدنی نبود

بیشتر معاون‌های شهردار مشهد و شهردار ان مناطق را چندباری در خود شهرداری و چند جلسه دیگر دیده‌ام. همیشه با کت‌وشلوار بوده‌اند و پشت میز. اینجا هم هر روز دیدمشان، اما نه کت‌وشلوار داشتند و نه پشت میزی نشسته بودند. راستش روز اول چند نفرشان را نشناختم. چون بیشتر شبیه پیمانکارهای پروژه بودند. شبیه ناظر پروژه که برحسب وظیفه ناچار است به همه قسمت‌ها انجام کار سرکشی کند. آن‌ها هم لحظه‌به‌لحظه در یک قسمت پروژه بزرگ آماده‌سازی پادگان بودند. گاهی کنار کارگروه‌ها و مهندسانی که مسیر منتهی به خیابان نامجو را تسطیح می‌کردند و گاهی کنار نیروهایی که دیوارهای بتنی را می‌چیدند تا مرز زمین‌های عمومی و بخش‌های متعلق به ارتش مشخص شود. ساعت حوالی ۱۹ است که در جایگاه میدان مشق خسته نشسته‌ایم تا گالوبی تازه بکشیم. آن‌ها هم در میزی نشسته‌اند. چشم به کفش‌هایشان می‌افتد. همه خاکی!

به شوخی می‌گویم، شما هم چارت کت‌وشلوار ندارید؟! یکی‌شان دست می‌چرخاند سمت قسمت‌های پروژه و می‌گوید: «این کار با کت‌وشلوار شدنی نبود.»

## روایت کارگر

### سلام به همه پرسنل مناطق شهرداری مشهد

مشهد برای مدیریت بهتر به سیزده منطقه شهری تقسیم شده است. هر منطقه هم مدیریت مجزایی دارد ذیل شهرداری مشهد. برای همین کم‌پیش می‌آید علی حسینی طبرسی به امام‌رضا(ع) سلام می‌داده، حالا سه هفته است که از چایی متفاوت دست می‌گذارد روی سینه و زیر لب می‌گوید: «السلام علیک یا علی بن موسی الرضا(ع)»، همین طور اگر از تاجند رویزیتی عنایت یحیی آبادی که مسئول نظافت منطقه ۱۲ بولوار فردوسی است. فقط برای یک چیزمهم است، دیدن نوشتن ماهه اش که چند روزی است او را دیده است. وقتی می‌فهمد کسی از تغییرات احتمالی مهرها خبر دارم، از صف فاصله می‌گیرد و می‌پرسد: «می‌دانی راه چقدر کوتاه می‌شود؟، تعجبم را که می‌بیند، می‌گوید: «راه خانه ما تا خانه دخترم، با دست آن طرف پادگان را نشان می‌دهد. نانوایی ابتدای نامجوی ۲ تازه پخت را شروع کرده و صف ۱۰ نفرا همسایه‌ها را دور هم جمع کرده است. حرف از قیمت خانه‌هاست که با بازشدن معابر جدید زیاد خواهد شد. هرکسی قیمتی می‌دهد، اما هیچ کدام از این حرف‌ها برای نه آسیه مهم نیست. برای او فقط یک چیز مهم است، دیدن نوشتن ماهه اش که چند روزی است او را دیده است. وقتی می‌فهمد کسی از تغییرات احتمالی مهرها خبر دارم، از صف فاصله می‌گیرد و می‌پرسد: «می‌دانی راه چقدر کوتاه می‌شود؟، تعجبم را که می‌بیند، می‌گوید: «راه خانه ما تا خانه دخترم، با دست آن طرف پادگان را نشان می‌دهد.

## روایت همسایه

### تا خانه دخترم چقدر راه است؟

خانه خودش اول جهان آراست و خانه دخترش وسط کوچه ثامن الائمه ۲۲.

می‌گویم، خیلی کوتاه می‌شود، چشم‌هایش سومی گیرد و تعریف می‌کند: «دامادم موتور داشت. می‌آمد دنبالم. دو ماه پیش موتورش را زد و برد. یکی دو بار می‌پیاده راه افتادم و رفتم خانه شان تا نبوه ام را ببینم. یک ساعت بعد رسیدم، خانه او دو دختر در یک راستاست. درست دو طرف یکی را مهابری که باز خواهد شد. روی نقشه، پیاده روی این مسیر را برایش محاسبه می‌کنم: «حدود ۱۰ دقیقه، که دوباره کیف می‌کند. می‌گوید: «از این به بعد هر روز می‌روم جوجه‌ام را می‌بینم.»

## روایت راننده

### دشواری‌های جابه‌جایی یک نیوجرسی چندتنی

گذشته از همه مناطق شهرداری نیوجرسی آورده‌اند تا بشود فضاهای عمومی و خصوصی را تفکیک کرد. می‌گوید: «آقای مهندس تعریف می‌کرد که ساخت این نیوجرسی‌ها خیلی زمان بر است و در نهایت روزی ۱۰ تا بیشتر نمی‌توانیم تولید کنند. برای اینکه کار جلو بیفتد، بیشتر از ۳ هزار نیوجرسی و دیوار از شهر جمع شده است تا کار اینجا راه بیفتد، در مسیر فقط به انرژی و زمانی فکر می‌کنم که صرف حمل این تعداد نیوجرسی شده است و نه هشت‌های روشان را می‌خوانم. هرکدام از یک بخش و یک جای شهر آمده‌اند، یکی از منطقه ۳، یکی از منطقه ۱۲، یکی از سازمان عمران!

داخل خودرو با تیم مستند ساز روزنامه مسیرهای پادگان را می‌رویم و می‌آییم. در انتهای مسیری که به ارشادالرضا(ع) می‌رسد، چرثقیلی که چهار نیوجرسی بزرگ را حمل می‌کند، راه را گرفته است. بیست دقیقه می‌مانیم که نیوجرسی‌ها از پشت چرثقیل پایین بیایند و ردیف شوند تا ایلند میانی مسیری تازه را شکل بدهند. حسین آقا، راننده چرثقیل، در این فاصله از فلاسکش یک چای داغ مهمانم می‌کند. می‌پرسم، روزی چند تا می‌آوری؟ «حساب از دستش در رفته است. فقط ساعت کارش را دقیق می‌داند: «از ۶ صبح تا ۸ شب.»

تعریف می‌کند که او و دیگر همکارانش در هفته